

تیه = رفتن ، آمدن ، گرفته شده . (۱۰۲-و)

پیتیه - پیرس وهدهده - وهدهده = باز پرسیدن ،

سؤال . پیرس وهدهده = پهلووی : وهدهده وهدهده = لاتین :

prec-ari = فرانسه : prier = آلمانی : frag-en = پارسی کنونی :

پرسیدن .

۱ - پسوند پیتیه وهدهده = لاتین : potis = پارسی کنونی : بد =

رئیس ، سرپرست ، از ریشه پا وهدهده = حمایت کردن ، دفاع کردن از ،

حفظ کردن .

آلیشر پیتیه = رئیس تعلیمات ، تعلیم دهنده = پارسی

کنونی : هیر بد . از ریشه ئید = کسب علم و معرفت کردن

سپاد پیتیه وهدهده - وهدهده = پارسی کنونی

سپهبد = فرمانده سپاه

وی سپیتیه = کلانتر محله ، رئیس قصبچه . ویس به

آرش محله و قصبچه = لاتین : vic-us

۱ - پیشوند پیرا بآرش گردا گرد ، (autour) ، دور = فرانسه : péri

یونانی : peri = لاتین : pari :

پیرد - گره ده ده وهدهده = گرد بریدن . گرا = بریدن

پَیرِی - کَرِی - وِی - وِی - وِی - وِی = پَرهیزکار (از ریشه کَرِی

که در بالا گفته شد)

پَیرِی - وِز = دور تا دور پوشانیدن ، وِز = پوشانیدن

پَیرِی - وَاَر = حصار ، وَاَر = محافظت (از ریشه

وَر که در بالا گفته شد)

۱۰۸ - پِیشوند پَرِی - وِی = به پیش ، به آنسوی (کانگامی نویسد :

پَرِی - وِی = پیش ، دور از ، دور ، خارج ، بغیر از = یونانی : para

فرانسه : para)

مثلهای فرانسه از para, par :

paraphrase (= para + phrasis)

parfum = par + fumus)

paradoxe (para + doxa)

pardonner

مثلهای اوستا :

پَر - پَرِی - وِی - وِی = فرابردن ، (بر = بردن)

پَر - پَرِی - وِی = فرار کردن ، بُد (۱۰۲ - و)

پَر - ذَاتِ وِی - وِی = پارسای کنونی :

پیشداد ۲ . ذَاتِ وِی - وِی = داد ، قانون

۱ - گمان میرود دیوار ترکیبی با این ریشه باشد .

۲ - نام سلسله پیشدادی از این جهت است که شاهان این سلسله نخستین قانون گذاران و برپاکننده پادشاهی میباشند (کانگامی)

و نیز واژه هائی با پرو = بلند، بزرگ، بیشتر، دوراز، دور
آنطرف، پیش از...، دراذای، نزدیک، جلو، در حضور، برای، از نظر،
دیده میشود:

پرو - آرِجَنگَه = بلند ارج:

پرواَسَن = دور، فاصله دار.

- پیشوند فَر، فَرُ = لاتین: pro, pra.

کانکا چنین می نویسد: پیشوند فَر، فَرَا = پهلووی: $\text{for} =$

پارسی کنونی: فر، فرا = لاتین: pro = آلمانی: vor = انگلیسی:

forth: بارش بجلو، بسیار، در طول، خارج از:

فَر - بَر = فرابردن

فَر - شُ = در طول گستردن، آمدن، رسیدن، شُ =

شدن.

فَر - وَز = بردن، وَز = وزیدن

فرا - ئیتی = جریان (آب)، ئی = رفتن، آمدن

این پیشوند در واژه های زیرین آرش، پیش، جلوتر از چیز

دیگر، را دارد:

فَر - ئِشْت = نخستین (پهلووی: $\text{forst} =$

انگلیسی: first)

فَر - تَر = فراتر ، جلو تر

مثالهای فرانسه :

profane (در لاتین : profanus از pro = پیش ، fanum

= معبد)

protubérance (در لاتین : pro = جلو ، tuber =

کوژ)

و نیز در فرانسه پیشوند pré از پیشوند لاتین : prae = پیش گرفته شده ،

prématuré (از پیشوند pré - و واژه لاتینی :

maturus = رسیده)

۱۱۰ - پیشوند وی (ویس) = دور از ، در لاتین : ve ، vi

۱۱۱ - پیشوند ها (ن) م ، برای جفتساز (copulatif) = لاتین : sam

= یونانی : آما = پارسی کنونی : آن ، هم

پیشوند هم بصورت های (ن) م ، ها (ن) ن ، هن

دیده میشود ، اولی جلوی حرفهای آوائی و نیم آوائی و دماغی و لبی

و سوتی ، دومی در جلوی حرفهای کلوئی و سقی و دندانی و سومی

در جلوی دندانی ها قرار می گیرند . هم گاهی جلوی يك حرف

آوائی واقع می شود .

ها (ن) مئیسَت = مهار بند

ها (ن) م پتن = ملاقات

هن گَر = انجام دادن

ها (ن) ن تیج = شتافتن

هم آن کُن = رشته کوهها (?)

ولی این اصول پیوسته مراعات نمیشود

در فرهنگ کانگابرای این پیشوندچنین مینویسد: هَن، ا

هَن، هِن، ها (ن) م = پهلوی: سَر، سِر = یونانی: syl، sym

syn^۲ = پارسی کنونی: آن، هم:

هَن جَمَن = انجمن. ساخته شده از هَن و جَم

= رفتن، آمدن، رسیدن.

(۱) این «ن» وسیله نمودنش مطابق تلفظ پیدانشد آقای یور داود در تفسیر خرده

اوستا و یشتها تلفظ حرف های اوستائی را نموده اند. ل

۲ - در پارسی کنونی واژه سَنگَم (* سَنگام) = دوقر که هم یا باشندو ممکن است این

سَن همان هم باشد (ه به س بدل می شود). نیز در واژه: سَنبویه (* هَم پوزِه) (ذ - ب)

هَن دَامَ = اندام . از هَن و دَا = آفریدن (۲۰۰-ر، ۲)

۱۱۲ - پیشوند اَپیرِ از پیشوند اُپَ (در آرش بلند و بسیار ۱۰۲-۱

و ، ۶۸-ك) گرفته شده ، در پهلوی : سَ ، در پارسی کنونی : بَر

(اَبَر)^۱ ، در لاتین : super ، در آلمانی : über ، در انگلیسی over

آرش آن . بالای ، بلندترین ، بیشتر میباشد چون :

اَپیرِ - گَیرِ = بالا کار کردن ، بشدت کار کردن .

گَیرِ و سَ = کار کن ، ساعی ، گردمند

اَپیرِ - دَهِیو = کشور مرتفع .

۱۱۳ - پیشوند اُكُ = بد .

کُنایِرِ = زن بدکار . نایِرِ - زن [با غنا و سَ

بَآرش زن (= پهلوی : کَر = یونانی : gamos که از ریشه زَن

کَسَم = پارسی کنونی : زادن = لاتین : gignere

و گنا بآرش زن سنجیده شود]

۱۱۴ - پیشوند تَرَو = پهلوی : تَرَو = لاتین : trans از ریشه تَر

تَرَو = فراری کردن ، پس زدن ؛

چنانچه پیشگذار واقع شود آرش آن ، از این سر بان سر ، از

۱ - به اَبَر فو که اَبَر کوه و آوَر کوه می باشد بنگرید (برهان قاطع) ل .

این طرف با آن طرف می باشد چون :

ترو یار^۱ = (قدرتی) که بیش از یکسال ادامه داشته

باشد

چنانچه پی کفت باشد آرش آن بیرون ، دم در ، میباشد چون :

تَرَسِجْ مَدَدُ مَدْرَسِ

چنانچه پیشوند باشد آرش آن : فاسد ، کج ، بد ، می باشد چون :

ترو پیتو^۲ = غذای بد یا تغذیه بد . پیتو از پیت^۲

= غذا میباشد که اینهم از پی کد ، پیو = چاق شدن ، تغذیه

کردن می آید .

ترو ممت = فاسد خیالی . ممت = چیز بکه بوسیله مغز

ادراک میشود ، اندیشه . که از ریشه من کد (۴۰ - و ۲۷ - د ،

۷۳ - ک) گرفته شده + ت م م

۱۱۵ - پیشوند آیتیه س و س آرش نزدیک ، با .

آیتیه - بر س و س - ر = نزدیک بردن

۱۱۶ - پسوند غن و آ و آرش دفعه ، بار

۱ - یار و س و س از یار و س و س (صفحه ۹۱ - ک)

۲ - با food و pith در انگلیسی سنجیده شود . ل

سَمَتٌ عَنْ دَدَمِمْ لَوْلَمْ = سد بار

۱۱۷ - پسوند نَمْتُ (در نمره ۸۷-و، شرح داده شده - ۱، ۲ - ك).

۱۱۸ - پیشوند یِی، بیش (۱۹ - پ)

۱۱۹ - پیشوند مَ کَلَبِ پیشوندِ نائی است (صفحه ۷۸-ك)

مَکَسُوِی = کسیکه پست نیست. کَسُوِی = پستی،

از کَسُ = که، کوچک

ما کَلَبِ نیز علامت نفی و نهی است: (پاورقی ۷۸-ك)

۱۲۰ - پیشوند نیشِ لُ وُی (۱۰۴-و)

۱۲۱ - پیشوند دُشْ، دُزْ (۴۰ - پ)

۱۲۲ - پیشوند آن، که آن، نَن، آ، آ (ن)، ا، بَخْسِیدَةُ آنست، و

برای نایش (négation) بکار می رود.

آن سَلَمِ :

آن - زَا (ن) تْ = نازاد. زَا (ن) تْ = زاد، تولد

خلقت، از ریشه زَنْ کَسَلْ = زادن (۱۱۳-و)

آن - نُخَوْرِثْ = (آرش اصلی آن) بدرغذای نخوردنی

(است). زمینی که بدرد زراعت نمیخورد. نُخَوْرِثْ = پهلوئی :

سردسرد = پارسی کنونی : خورش . از ریشه نَحَوْرُ سردل = پهلوی :
 سردسرد = پارسی کنونی : خوردن .

آن دم : (در جلوی آواها بکار میرود و در سایر زبانهای

که این پیشوند بکار می رود نیز چنین است چون : anaérobie)

آناخشتی = نا آشتی ، نارفاقتی ، منافقت . آخشتی =

پهلوی : سد-سود = پارسی کنونی : آشتی .

آناپ سد-سد = بدون آب ، خالص . آپ سد =

پهلوی = لاتین : aqua = پارسی کنونی : آب ؛ آناپ بصورت

«ناب» در پارسی کنونی برای هر چیز خالص بکار می رود چون آتش

ناب ، سیم ناب ، زر ناب ، (در اوستا مَدُ اَناپِم = می ناب) . علت

در فرهنگ کانگا :

۱ - مَدُ کَد = مَدُ کَدو = لاتین : med-eri بآرش معالجه کردن (بواژه
 medicin و . . . مراجعه کنید)

۲ - مَدُ کَد = مَدُ کَدو = لاتین : mad-ere بآرش مسموم شدن ، خوش

حالت شدن ، از این ریشه مَدُ = مَد = لاتین : mel = فرانسه : miel = پارسی
 کنونی : «می» بآرش تقویت کننده (cordial) ، شفا دهنده ؛ عسل ، میباشد

۳ - مَدُ کَد = مَدُ کَدو بآرش عاقل ، راز نگهدار

۴ - مَدُ کَد = مَدُ کَدو بآرش دواي شفا بخش که از ریشه اولی میباشد

آنست که ترکیب واژه فراموش شده و نیز * آنا کاس در پهلوی
 آنا کاس و در پارسی کهنونی بایستی قبلا آن آگا و سپس ناگا
 شده و همچنین نفرین در مقابل آفرین ساخته شده (صفحه ۶۴-ک)
 از کتاب اتود ایرانین]

آذیري ' دلم دود لودد (= دلم + دود لودد) = نامحترم

نانجیب ، بد ، غیر آرین ؛ خارجی . آیری دود لودد (آرش اصلی آن)

نجیب زاده ، محترم ، آریائی ، از ریشه آر دلا که آرش آن بچشم خوب

نگریستن ، احترام کردن است . از همین ریشه آیری ن دود لودد

= پهلوی : ددلسر = پارسی کهنونی ' ایران ' می باشد

این پیشوند در یونانی : an ، در لاتین : in ، در ساکن un در

فرانسه : in می باشد که در جلوی a بصورت il ، در جلوی b و m و جلوی

p بصورت im و در جلوی r بصورت ir در می آید چون واژه های

anémie ، inerte ، illisible ، imbuvable ، immortel^۲

، irrégulier ، unnatural ، l .

۱ - بآرش غیر آریائی (صفحه ۹۶-ک) و همان انیران می باشد (به برهان قاطع و
 سایر فرهنگها رجوع شود) . روی سکه های شاهان ساسانی شاهنشاه ایران و
 انیران نقش شده . ل

۲ - امرِ تاث = immortel پارسی کهنونی آمرداد . دیده می شود که این واژه
 را مرداد گویند و البته آرش آن برعکس می شود ، شاید تصور کرده اند که این الف
 نیز زائد است . ل

پیشوند آن در پهلوی نیز هست چنانچه در واژه‌های آناب،
آناکاس دیده شد.

۳ - ن آ = پارسی کنونی «نه» = لاتین : ne = آلمانی :
nein = فرانسه : ne = انگلیسی : no^۱ :

ز چیه آسوره = هیچکدام . چیه = کدام ؟ ، از

ک و = پارسی کنونی : که ؟ = لاتین : quis = فرانسه : qui ||
ساکن : hwa = انگلیسی : who .

ز ئید آده (آرش اصلی =) نه اینجا ، هیچیک .

ئید و (آرش اینجا ، از ریشه ئی و آرش این و آن که در لاتین :

id و در انگلیسی *it* میباشد (در اوستا اینج = پارسی کنونی اینجا)

۴ - «آ» در جلوی آواها بکار می رود :

آ - گرن سوسله = پهلوی : آگنارک سوسلو

= بی کران . گرن سوسله = کران ، کنار .

آ - خوفن = بیهواب . خوفن = پهلوی : سوم

= لاتین : som-nus = فرانسه : sommeil = انگلیسی : sleep

= پارسی کنونی : خواب . از ریشهٔ نَوَبْ سَرَس = پهلووی :

سَرَس = پارسی کنونی : خفتن ، خوابیدن و نیز نَوَفَسْ که از

همین ریشه است = پهلووی : سَرَسَدَوَس = پارسی کنونی : خسپیدن

آ - نَخْشَنَوَت = ناخشنود (ب - پسوندهای گهواژه - و)

این پیشوند در پهلووی نیز بهمین صورت هست :

آ - کَنَارَكْ سَوَرَسَلَو = بی کنار ، بی کران

آ - نَوَابْ سَرَس = بیخواب

آنخوشیه سَرَسَدَو = ناخوشی

در پارسی کنونی نیز این پیشوند یافت میشود :

آپرنخیده ، آجُنَبَان ، آچار (در پهلووی : آچار سَرَسَدَو)

و در یردا کنون گفته میشود .

این پیشوند در یونانی : a ، در لاتین : a در فرانسه : a می باشد :

یونانی : atomos (a = تا و témno = بریدن) = لاتین :

atomus = فرانسه : atome بارش بخش نشدنی .

• آ (ن) :

آ (ن) ئِیْتِی (= آن + ئِیْتِی) بارش تلف نشدنی ،

یا برجا ، ئِیْتِی بارش گذران ، نابودشدنی ، از ریشهٔ ئِی = لاتین : i-re

بارش رفتن ، آمدن

آ(ن) نَمَن (= اَنْ دَل + نَمَن اَلدَل) بـ آرش

توانائی، پابرجائی، نَمَن از ریشه نَم اَلدَل، بارش فرو خمیدن (بانمیدن

در پارسی کنونی سنجیده شود) که نِم اَلدَل و نِمَنگَه = پهلوی

نَمَن = پارسی کنونی « نماز » از این ریشه است (صفحه ۴۹ - ك)

۶ - ا ؛ در جلوی « و » (بزرگ در جلوی واژه ها بکار می رود) و

در جلوی « و » (کوچک در میان واژه ها بکار می رود) درمی آید:

اَوینْدَن = درنیافتن، از ریشه وید = دست

آوردن، رسیدن، دریافتن، در انگلیسی: to find = آلمانی:

find-en (در زبان فرانسه پیشوند É نزدیک باین پیشوند است چون

É bourrer، É bouturer) .

۱۲۳ - پیشوند هُ (۷۴ - ك) برای خوبی، زیبایی، افزونی، کافی بودن

هَکَهَرپُ = خوش اندام، کِهَرپُ و هَکَهَرپُ =

پهلوی: وِلَه = پارسی کنونی: کَالْبَد = لاتین: corpus =

فرانسه: corps .

۱۲۴ - پسوند كَ وِد، برای کفش = پارسی کنونی: كَ ا (۱۰ - ك)

ساکسن: ock .

دَرَفَشَكْ = درفش کوچک، دَرَفَش = پهلوی دَرَفَش

فرانسه: drap .

بخش سوم

وندهای پارسی پهلوی

وندهای زبان پهلوی در زمینه وندهای زبان های دیرین پارسی است . در اینجا آنچه گرد آورده شد نام برده و به شماره هائیکه در بخش های دیگر از آنها گفتگو شده و یا بستگی دارند اشاره میشود .

- پیشوند آ- : پیشوند نائی (۱۲۲-و-۴) چون :

آ- چار = ناچار

آ- دان = نادان

آ- کینارک سورسلو = بی کران

- پیشوند آن- : پیشوند نائی (۱۲۲-و-۲) چون :

آن- امیت سرسروم = نومید ، نا امید

آن- اوشک سرسروم = ؛ اوشه بی مرگ (نوش در پهلوی

آنوش سوسو - از آن - آشه^۱ = نا - میرا .

آن - آشتیه سوسوسو = نا - آشتی .

۳ - پسوند آن سو - : نشانهٔ بسکائی است و در نوشته های خیلی دیرین

پهلوی نیز یافت میشود مثال :

مروتوم - آن کلسرکس = مردمان

روان - آن لرس = روان ها ، ارواح

تن - آن سوسر = تن ها ، اجساد

۴ - پسوند آن سو - : نشانهٔ انباز میانه است (۶ - ك) چون :

نالان رسلس = نالان

گریان ولس = گریان

وتیران رسلس = گذران (۷۰ - ك)

۵ - پسوند آن سو - : برای نامهای نیائی و جای (صفحه ۴ - ك)

پاپکان رسوس = پسر بابک

کواتان ورسوس = پسر قباد

درفر هنگ اوستا . آن آش = نامیرا ، از آشنگه = مرگ ، که این خود نیز از آش = بیمار گرفته شده .

نام انوشیروان در پهلوی آنوشین - روان سوسوسرلس = روان نامیرا (مقصود کسیکه روحش جاودانی است) می باشد .

گرگان پهلوسر = کشور گرگها

۶ - پسوند ئیستان (ستان) پهلوسر (۴۲-ك) - : این پسوند برای

نام جا و کشور بکار رفته و در زند ستان (۳-۱۰-و) میباشد مثال :

ویمار - ئیستان پهلوسر = بیمارستان

هندوک - ئیستان پهلوسر = هندوستان

دخمک - ئیستان پهلوسر = گورستان ،

جای دخمه

۷ - پسوند ایشن پهلوسر - برای نام کنش (۱۸-ك) :

آراپیشن پهلوسر = آرایش

کنیشن پهلوسر = کنش

فراج خوریشن پهلوسر = دران

۸ - پسوند ایست پهلوسر - : برای برتری : اصل آن در پارسی دیرینه

ایست و در زند ایشمت می باشد و واژه های زیرین زبان پهلوی

پسوند مزبور را بصورت های مختلف در خود نگاهداشته :

وهشت پهلوسر (= بهشت) برتری وه که در زند

وه است می باشد. در زند وهیشتو آه یعنی عالم والا (صفحه

مَهَيْسْت كَدَدَدَدَم (= مهترین) برتری مس میباشد

در پارسی دیرینه مَیْسَت و در زند * مَیْشَت

بالیست^۱ ر دَدَدَم (= بسیار بلند) برتری بِرَزَنْط

می باشد . در زند : بِرَزِشَت

فَرِاسْت رَدَدَدَم (= سرین) برتری است که

همسنگی آن فرای^۲ می باشد . در زند : فَرِاشَت و در یونانی = پِلِثِیسْتِر

نَرْدِیسْت^۳ رَدَدَم (= اولین) برتری نَرْدَ (=

نزد) . در زند : نَرْدِشَت

نَخْسْت رَسَدَدَم (= اولین ، نخست) پیدایش این شکل

نامعلوم و برتری نهشته نَخ می باشد که با همین آرش در زبان ارمنی مانده است

نُخْوَالِیسْت رَسَدَدَم (= خوش طعمترین) . در زند :

هُورِزِشَت .

- پسوند توم^۴ ر - : پسوند برتری است چون :

وَدْتوم^۴ ر = بدترین از وَد = بد

(۱) واژه بالیست بی گمان بازمانده برتری بالیست است ل .

(۲) در یهلوی يك همسنگی بصورت فرای^۲ رَدَدَم (که همسنگی زبان یهلوی) است

دیده میشود . در زند فرایو و در یونانی : پِلِثِیون و در لائین plus میباشد

(۳) بایستی همان نزدیک پارسی کنونی باشد ل .

آبَر توم سولمرا = برترین از آبر = بر

توخشاك توم سولمرا = كوشا نرين از

توخشا = كوشا

۱۰ - پسوند تَر م = : برای همسنجی :

آبَر تَر سولمرا = برتر از آبر = بر

آزِر تَر سولمرا = زیرتر از آزر = زیر

وَد تَر سولمرا = بدتر از وُد = بد

دار مستتر در باره سه پسوند بالا چنین می نویسد :

زبان دیرین برای همسنجی و برتری دوراه بکار می برده :

راه اول - به ریشه فروزه پسوند یَه (در سانسکریت : ئی یانس)

در یونانی : ئیون و در لاتین : ior ، در انگلیسی er) را برای همسنجی

و پسوند ایست (در سانسکریت : ایشطَه ، در یونانی : ئیستس)

در لاتین : - iss ، در انگلیسی : est) را برای برتری می افزوده

راه دوم - به نهشته فروزه پسوند تَر (در سانسکریت : تَر

در یونانی : تَرس ، در لاتین : ter) را برای همسنجی ، و پسوند

تَم (در سانسکریت : تم ، در لاتین : Timus ، simus در کالوا : tev)

را برای برتری می پیوسته

مثالهای زیرین از آن راه اول است :

}	پارسی دیرینه: وَه = به همسنجی آن وَهی آه
	زند: ووه = به وَنگَهو

برتری آن و همیشه (صفحه ۷۹ - ک، ۸ - پ)

}	پارسی دیرینه: مَث = مَه ، برتری آن: مَشیست ^۱
	زند: مَس ^۲ = همسنجی آن: مَسی آو

زند: **نَرَد** = نزد برتری آن: **نَرَدِشَت**

گَمَن = کم **گَمِشَت**

مثالهای زیرین از آن راه دوم است :

اَك = بد، همسنجی آن: **اَك تَر**

(۱) majesté در لاتین . majestas با مَشیست = پهلوی ، مَشیست سنجدیده شود

همچنین واژه master در انگلیسی با مهتر در پارسی کنونی

(۲) در اوستا . مَس کاند = پهلوی کاند = پارسی کنونی مه بآرش بزرگ

پهناور و نیز مَز کاند = پهلوی کان = لاتین : mag-nus بآرش پهناور ،

بزرگ ، مهم ، رفیع می باشد . موبد = در اوستا مَکو یَیته (صفحه ۵۲ - ک) .

مَزدا] (مَزدا = مَز که گفته شد و دا = دانستن (۵۰ - و ، ۳) و آرش آن

همه دانا ، بهر چیز آگاه . اهور مزرب است از آه = هستن (صفحه ۸۰ - ک)

و آرش که نشانه کارور است (۵۰ - و) بآرش هستی بخش ، جانبخش و روی هم رفته

آهور مزدا = هستی بخش - همه چیز آکه] از این ریشه اند

آپن = مرتفع برتری آن آپنوتیم

دژ گینتی = بدگند، همسنجی آن دژ گینتی تر

هَبْشویذیر = خوش بوی هَبْشویذیرتم

راه اول در پارسی کنونی ناپدید شده، فقط پاره و اثره های ساخته شده آن بصورت هائی دیده میشود

راه دوم راه معمولی ساختمان همسنجی و برتری زبان پهلوی بوده که همسنجی را با تر ^{۱۳} (در پارسی دیرینه * تر) و برتری را با توم ^{۱۴} می ساخته

زبان پارسی کنونی نیز مانند زبان پارسی پهلوی همسنجی را با تر می سازد ولی توم در این زبان از میان رفته و بجای آن برتری خود را بوسیله همسنجی عالی تری یعنی با افزودن پسوند این (پسوند این در زبان پارسی کنونی به بنیستی ها و فروزه ها برای ساختن فروزه هائی که تعیین میکند چیزی را که از چگونگی آن، گفتگو میشود دارای بیشترین چگونگی است که واژه اصلی بیان آن را می نماید. می پیوندند. صفحه ۳۲ - ک) به پسوند تر می سازد چون،

به	بهر	بهترین
خوب	خوبتر	خوبترین

در اوستا آبن = مرتفع، آخر، از پیشوند آب ^{۱۵} (۹۸-و) میباشد

سخت سخت تر سخت ترین

۱۱ - پسوند آك - : برای انباز کمنونی (ك-۴)

ویناك ریسو = بینا

تاپاك مسمسو = تابان

روباك لرسو = روان

پسوند آك بنابر آنچه در دستور پهلووی یاد شده :

۱۲ - پسوند آك - . برای انباز کمنونی :

پرستك رلندسو = پرستنده

فرهنتك رلندسو = هوشیار

آموزك سراسو = آموزنده

۱۳ - پسوند آندك - . برای انباز کمنونی (ك-۲)

زیوندك كرسو = زیونده ، زنده

خورندك سلسو = خورنده

وزندك ركرسو = وزنده

در زند نهشته های نمودی را به پسوند آنت پیوسته و انباز

کمنون را می ساخته اند و برای انباز میانه به پسوند آ می پیوسته اند

مثال :

در زند : كِرِ نَوَ نَط = كَننده (در پارسی دیرینه : * كُنَو نَط)

بَر نَط = برنده (، ، : * بَر نَط)

گِرِز - آن = گریبان

در پارسی کنونی آندَه بجای آنْت و آن بجای آن آمده

بدینسان که آنَط به شکل آند (کوچک شده) و از آن آندَه مشتق

گردیده چنانچه این شکل کوچک شده در واژه وارند = بارنده ،

باران ، دیده میشود و آند به پسوند آك پیوسته خواهد مستقیماً و خواه

در دوره پارسی دیرینه پسوند آنْت داخل در ردیف نهشته های مختوم

به آ گردیده و بجای بَر نَط ، بَر نَط می گفته اند .

۱ - پسوند ك ۹ - برای انباز گذشته :

در پارسی دیرینه : ها گَمَتَا = کسانی که با هم کرد آمده اند

پَرِیتَا = کسانی که رفته اند

در زند : رِیت = رفته

تَنَحَت = تاخته

چنانچه ملاحظه میشود انباز گذشته که به ت ختم شده بایستی

به ت و د کوچک شده یا با پیوستن به پسوند ك بصورت تَك و که

در پارسی کنونی ته یا ده است درآمده باشد

مثال یهلوی :

آمُوخْتَك سِرِیَسُو = آموخته

زَاتَك كِسُو = زاده

كِرْتَك وَلَسُو = کرده

۱۴ - یسوند آك و - برای بی گفت (ه - ك) :

سَالَك دَسَلُو = سالیانه

شِبَانَك وِیَسُو = شبانه

۱۵ - یسوند آك و - برای مادینگی (د - پ) :

پِیْرَك رِیْدَلُو = پیره زن

مَان پَتَك كَسِرِیَسُو = بانوی خانه

۱۶ - یسوند آك و - : برای کفش (د - پ) :

رِوْتَك لَسُو = رود کوچک

۱۷ - یسوند آكان وِسِر (ه - ك)

۱۸ - یسوند آکین وِسِر (ه - ك)

۱۹ - یسوند اُم - برای شماره های آرائی (nombres ordinaux)

(۲۳ ا)

دار هستند در خصوص این پسوند چنین می نویسد :

زبان دیرین برای درست کردن شماره های آرائی يك پسوند
تمها بکار نمی برده بلکه برای هر طبقه پسوندی جدا گانه داشته :
از یکم تا چهارم :

فَرَتَم = نخست = premier ۰۰ در اوستا : فَرَتَم = پهلووی

فَرَتوم ۰۰ = پارسی کنونی : فردوم . از فَر = جلو ، پیش =
لاتین : pro (۱۰۹ - و)

دَویتیمی = دوم = زند : بیتیمی^۱

در اوستا بی ویش بآرش دو (صفحه ۴۰ - ك) و در فرانسه bi و bis (biscuit) ،
bilingue در لاتین : dis بی همیشه در ترکیب بکار میرود
مثال اوستا ۰۰ بی - تاغ = دوتیغه

بی - زَنگَر = دویائی [زشت خلقت] (صفحه ۸۰ - ك)

بی - آيَر = دوروز . ۰۰ از آيَر = روز (با jour

در فرانسه سنجیده شود ، در لاتین : diurnum .) از ریشه بی = رفتن ، آمدن
آمدن = لاتین . i-re

دو (۲) که شماره پایگی است در اوستا دَو = لاتین : duo فرانسه ، deux -

انگلیسی . two = آلمانی . zwei = پهلووی ، ۰۰ می باشد

دَو - دَس = لاتین . duo-decim = پارسی کنونی

دوازدهم

دَو - دَسَن = لاتین duo-decim = پارسی کنونی . دوازده

دَوَسَرِسُو = $\frac{۲}{۳}$